

گونه‌شناسی سودمندی دانش تاریخ در معرفت افزایی از دیدگاه مورخان مسلمان

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۰۹

تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۰۹/۲۱

سلیمان فیاض *

چکیده

سودمندی علوم از مسائل کلیدی و کاربردی هر علم به حساب می‌آید تا آنجا که یکی از رؤوس ثمانیه علم (اصول هشتگانه علم) فایده و سودمندی است. سابقه این بحث در علم تاریخ بسیار طولانی است اما از قرن ۱۸ میلادی علم تاریخ وارد فضایی جدید و متفاوت به نام «فلسفه تاریخ» شد. طرح این عنوان علاوه بر ایجاد چالش سبب شد تا در بین مورخان و فیلسوفان نظرات مختلفی به وجود آید. این رخداد سبب بازنگری مسلمانان نسبت به میراث تاریخی خود از جمله سودمندی، شیوه نگارش و قالب‌های تدوین تاریخی و دیگر مسائل از این دست شد. براین اساس هدف تحقیق پیش‌رو، گردآوری و گونه‌شناسی سودمندی‌های دانش تاریخ برای معرفت افزایی از نگاه مورخان مسلمان می‌باشد. گونه‌شناسی روشی است که از آن برای به ثمر رسیدن این غایت استمداد شده است. در ضمن گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای بوده است.

واژه‌های کلیدی: سودمندی تاریخ، فواید تاریخ، فلسفه تاریخ، گونه‌شناسی.

مقدمه

سخن گفتن از فایده و سودمندی تاریخ امر جدیدی نیست اما در دنیای پر از تحرک و فکر، مسائل مختلفی مطرح می‌شود که شاید آدمی را به پرداختن اصول ذهنی خود وادار کند. گاه مسائل به شکل سوال و گاه به صورت شبهه مطرح می‌شوند. پرداختن به هر دو ساحت، فضای علمی را می‌طلبد؛ بنابراین بر جویندگان حقیقت به عنوان اصل اولی، حفظ حریم علمی لازم است.

حال آنچه که سبب پژوهش پیش رو شد را به اختصار مرور می‌کنیم. خلاء منظومه‌ای مدون و پیوسته در رابطه با فایده و سودمندی‌های تاریخ اولین انگیزه‌ای بود که نویسنده را به جمع‌آوری آن سوق داد. ناگفته پیداست که مجموعه‌ای از مورخان در این باره قلم زده‌اند اما یافتن منظومه‌ای از این تلاش‌ها امری بود ضروری که این جستار برای تحقق بخشیدن به این مهم است. گذشته از این امر، مسئله پاسخی‌گویی به شبهاتی است که هر چند وقت یکبار در گوشه و کنار محافل علمی مطرح می‌شود.

در اینکه تاریخ علم است یا خیر مباحث مفصلی است که پرداختن به آن ما را از غرض فعلی دور می‌کند اما در ادامه همین نفی و اثبات‌ها به مساله فایده تاریخ برخورد می‌کنیم. برخی نظیر «فریدریش نیچه» که با سودمندی تاریخ زاویه دارد در کتاب «سودمندی و ناسودمندی تاریخ برای زندگی» درصدد نفی آن است. از طرف دیگر مورخان متعددی نظری متفاوت از وی دارند از جمله «فضل الله بن روزبهان» در کتاب «تاریخ عالم آرای امینی» می‌نویسد:

«به هر حال تکرّر مشاهده اطوار سابقیان که ثمره علم تاریخ است، جمیع طوایف را فایده می‌دهد. پس فواید این علم بسیار باشد و ارباب ممارست آن را منافع بی‌حدّ و شمار و بنا بر ملاحظه عظم شأن این فواید و جلالت قدر این عواید است که علمای

سلف و اکابر خلف بر حسب اختلاف مقاصد در علم تاریخ مدوّنات ساخته و مصنّفات پرداخته‌اند و هر طایفه از مصنّفان این فنّ مقصدی را نصب العین ساخته»^۱.

یکی از برترین نوشته‌ها در این باره، بیان عبدالحسین زرین کوب در کتاب «تاریخ در ترازو» است که می‌گوید: «آنچه در تاریخ اهمیت دارد آن نیست که افراد و جوامع چگونه مرده‌اند، این است که آنها چگونه زندگی کرده‌اند و زندگی آنها چگونه امتداد و تحول یافته است. چون تاریخ بی آنکه در یک حرکت دورانی «بسته» محصور بماند یا یک خط مستقیم یکنواخت را طی کند، پیچ و خم‌ها دارد و فراز و نشیب‌ها که در عین حال تصویری که از سیر آن حاصل می‌شود تصور استمرار و تداوم است نه تصور توقف و انقطاع»^۲.

در آثار یکی دیگر از مورخان معاصر تشبیه لطیف و دقیقی ذکر شده است.^۳ وی تاریخ را به رودخانه‌ای پیوسته و جاری تشبیه می‌کند که مؤید و مبین خوبی بر گفتار زرین کوب است.

از آنجا که علم تاریخ پس از قرن ۱۸ میلادی وارد فضایی متفاوت بنام «فلسفه تاریخ» شد، بحث و تبادل نظر در این رابطه بیش از پیش در گرفت. اگر تا قبل از این زمان برخی از مورخان از کنار مباحثی چون فایده تاریخ می‌گذشتند و به سهو یا عمد از آن سخن به میان نمی‌آوردند، پس از قرن ۱۸ میلادی پرداختن به این امر برای هر مورخی الزام آور شده است. دیگر نمی‌توان به سادگی از کنار چنین مطالبی گذشت.

از مقتضیات مباحث علمی، اختلاف نظر و عقیده است. در میان این افکار مختلف است که علم پویا می‌ماند و رشد می‌کند. خرسندیم که تاریخ نیز امروز وارد

۱. فضل‌الله بن روزبهان، تاریخ عالم‌آرای امینی، انتشارات مرکز پژوهش‌های مکتوب، تهران، ۱۳۸۲.

۲. عبدالحسین زرین کوب، تاریخ در ترازو، چاپ دوم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۲ ش، ص ۲۵۸.

۳. حسین کریمی، دست‌آویزهای سیاسی در مسائل اسلامی، چاپ اول، تهران، گروه فرهنگی جهاد دانشگاهی دانشگاه صنعتی شریف، ۱۳۶۱ ش.

چنین فضایی شده است. اگر چه نسبت به نتیجه بحث بی تفاوت نیستیم اما تبادل نظر و عقیده در باره اصول کلی در رشته تاریخ را امری مبارک می‌دانیم. به تعبیر شهید مطهری (ره) که تردید و شک را پایه یقین می‌دانستند، ما نیز بر این اساس از ادامه مباحث و جرح و تعدیل در این رابطه توسط سایر اساتید و دانش پژوهان رشته تاریخ استقبال می‌کنیم.

بخش اول: آگاهی و شناخت

شناخت برای انسان در همه اعصار نیاز اساسی بوده است. هر چه زمان می‌گذرد پاسخ‌های عمیق تری به این نیاز داده می‌شود. شناخت فروعات زیادی دارد از جمله خود شناسی، هستی شناسی، خدا شناسی و... را می‌توان نام برد.

تاریخ در این زمینه کمک شایانی به انسان می‌کند. اگر چه ذاتا تاریخ مامور به این کار نشده است اما از فواید مهم این علم، آگاهی دادن است. به طوری که یکی از پر تکرار ترین فواید مطرح شده تاریخ به گفته مورخان همین مطلب است.

برای روشن شدن هر چه بهتر این مسئله باید تصور کرد، اگر تاریخ نبود چه می‌شد؟ آیا بود و نبود تاریخ یکسان است؟ برخی نظیر بیهقی تعبیر بلندی برای این علم بکار برده اند. وی در این رابطه می‌گوید: «التواریخ خزائن أسرار الأمور»^۱ طبیعتا دست پیدا کردن به این خزینه اسرار، معارف و آگاهی‌های زیادی به آدمی خواهد داد. تاریخ بیهقی نبود علم تاریخ را این گونه بیان می‌کند:

«آگاهی از تاریخ‌ها و آنچه در عالم گذشته است نشان از حب است. اگر نبود این دوست داشتن در غریزه بشر، هیچگاه اثری از گذشتگان در زمان حال یافت نمی‌شد.

۱. علی بن زید بیهقی، تاریخ بیهقی و ذکر العلماء و الأئمة و الأفاضل الذين نبغوا فيها أو انتقلوا إليها، تعریب، دمشق - سوریه، دار إقرأ، ۱۴۲۵ ق، ص ۹۶.

سنت‌ها، فضیلت‌ها و حکایت‌ها از جمله این آثار هستند. نبود تاریخ خلّاتی را ایجاد می‌کند که با هیچ چیز قابل جبران شدن نیست...»^۱.

نویسنده «المختصر فی علم التاریخ» نتیجه نبود علم تاریخ را این‌گونه بیان می‌کند: «... اگر تاریخ نبود هیچ خبر و اثری از گذشته وجود نداشت، تاریخ علاوه بر خوراک و اشخاص و افراد بودن، معدنی از کلیه اخبار شخصیت‌ها و مردم است...»^۲.
در ادامه به مصادیق متنوعی از این مطلب خواهیم پرداخت.

شناخت احوال گذشتگان

از ابتدایی‌ترین فواید تاریخ می‌توان به شناخت احوال گذشتگان اشاره کرد. تاریخ بیهق در شمارش فواید تاریخ می‌گوید:

«فایده دیگر تاریخ: همانا عقل، حس، مشاهدات و مسموعات از وسایل شناخت در نزد آدمی هستند. برای شناخت احوال عالم نمی‌توان از عقل استفاده کرد؛ به همان دلیلی که برای بشر مقدور نیست به صورت طولانی مدت زنده باشد و اخبار را مطلع شود؛ بنابراین راه شناخت احوال و اخبار بشر و همچنین راه شناخت گفتار و آثارشان از طریق تامل در تاریخ است و این امر به واسطه شنیدن ثابت می‌شود»^۳.

۱. همان، ص ۹۹، (فان معرفة تواریخ و أخبار العالم تستلزم هذا الحب - حب الاستخبار و الإخبار - الذی لو لم یکن مرکباً فی غرائز الآدمیین، لما وصل للمتأخرین شیء من سنن و فضائل و أخبار و حکایات المتقدمین و لبلغ خلل أحوال العالمین حدا لا یمکن تدارکة).

۲. محمد بن سلیمان کافیجی، المختصر فی علم التاریخ، چاپ اول، بیروت، عالم الکتب، ۱۴۱۰ ق، ص ۱۱۷-۱۱۸ (ولولا التاریخ لم یصل الینا لا خبر و لا اثر و هو غذاء الارواح و الشباح و هو خزینة اخبار الناس و الرجال).

۳. علی بن زید بیهقی، تاریخ بیهق و ذکر العلماء و الأئمة و الأفاضل الذین نبغوا فیها أو انتقلوا إليها، تعریب، دمشق - سوریه، دار إقرأ، ۱۴۲۵ ق، ص ۹۸. (فائدة أخرى: إن وسائل المعرفة لدى الإنسان هي العقل والحس والمشاهدة والمسموعات هي من أبواب المحسوسات ولا يمكن معرفة أحوال العالم عن طريق العقل كما لا يمكن لإنسان ما أن يبقى حيا مدى الدهر ليطلع على أحوال و أخبار العالمین، إذن فالطریق لمعرفة أحوال و أخبار البشر و الطریق لمعرفة الأقوال و الأخبار و الآثار هو طریق التأمل فی التواریخ و فوائده مستنبطة بالاستماع).

همان طور که بیان شد در این رابطه مصادیق فراوانی وجود دارد که سعی می‌کنیم گوشه‌ای از آنچه بیان شده است را بازگو کنیم. از جمله می‌توان به تاریخ طبرستان و رویان اشاره کرد. نویسنده آن می‌گوید: «بدان که علم تاریخ علمی است مشتمل بر شناختن حالات گذشتگان این جهان...»^۱.

از جمله کتبی که به صراحت این موضوع را بیان می‌کند «تاریخ حبیب السیر» است. «خواند میر» می‌نویسد: «ممارست علم تاریخ و اخبار و ابواب اطلاع بر بدایع وقایع و احوال بر روی روزگار صاعدان مصاد عزت و جلال بگشاید»^۲.

«روضه الصفا» در شمارش تعدادی از فواید تاریخ، در فایده چهارم این گونه می‌نویسد: «آنکه چون ممارست این فن کسی را دست دهد و بر اقوال مختلفه اطلاع یابد داند که آنچه موافق روایات ثقات باشد مختار و صادق و هرچه مخالف بود، مردود و کاذب خواهد بود...»^۳. وی علاوه بر شناخت احوال و اقوال گذشتگان، کسب آگاهی بر اختلاف قرأت‌ها در تاریخ که امری طبیعی و اجتناب ناپذیر است را نیز مطرح می‌کند.

از نگاه مورخان معاصر نیز این مهم دور نمانده است. سید جعفر مرتضی با این عبارت مقصود ما را بیان می‌کند: «وظیفه تاریخ، انعکاس دقیق و صادقانه زندگی امت‌ها در گذشته و موقعیت‌ها و شرایطی که گذرانده‌اند و همچنین بیان تشنج‌ها و حوادث سخت فکری و اقتصادی و اجتماعی که تجربه کرده‌اند، می‌باشد»^۴.

۱. میرسید ظهیر الدین مرعشی، تاریخ طبرستان و رویان و مازندران، چاپ دوم، شرق، ۱۳۶۱ ش، ص ۱۰۱ مقدمه.

۲. غیاث‌الدین بن همام‌الدین خواند میر، تاریخ حبیب السیر فی اخبار افراد بشر، خیام، ۱۳۸۰ ش، جلد ۱، ص ۲.

۳. محمد بن خاوند شاه بن محمود میرخواند، روضه الصفا فی سیره الانبیاء و الملوک و الخلفاء، چاپ اول، اساطیر، ۱۳۸۰ ش، جلد اول، ص ۱۲.

۴. سید جعفر مرتضی‌العاملی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم ﷺ، طبع چهارم، بیروت، دار السیره، جلد ۱، ص ۱۰. (اما مهمه التاريخ فهي ان يعكس بدقه و امانة حياة الامة في الماضي و ما مرتت به من اوضاع و احوال و ما تعرضت له من هزات فكرية و ما ازمت اقتصادية و اجتماعية و غيرها).

پس می‌توان نتیجه گرفت که تاریخ بزرگ‌ترین شاهراه جهت جمع‌آوری اطلاعات مختلف و گوناگون از گذشتگان و پیشینیان است.

ارزیابی و قضاوت صحیح گذشته

شناخت مقدمه‌ای برای ارزیابی و قضاوت صحیح است. تا شناختی نباشد قضاوت و ارزیابی معنا پیدا نمی‌کند. در مورد تاریخ نیز این امر صادق است. افرادی تاریخ را بهتر ارزیابی می‌کنند که شناخت بیشتر و بهتری نسبت به وقایع گذشته داشته باشند؛ بنابراین مطالعه دقیق گزاره‌های مختلف تاریخی و کنار هم گذاشتن پازل‌های حوادث گذشته، قدرت تحلیل مناسبی به مورخ و غیر مورخ می‌دهد که تفاوت این افراد با جاهلان به این امر بس واضح‌تر از آن است که بیان شود.

در این رابطه نظر جلال‌الدین مدنی را از نظر می‌گذرانیم:

«تاریخ و بررسی گذشته به ما آگاهی می‌دهد تا شرایط زمان را بهتر درک کنیم، گذشته را به آینده پیوند دهیم، درباره گذشتگان به درستی قضاوت کنیم، مشکلات، درگیری‌ها، موانع، اشتباهات، تقصیرها، ناتوانی‌ها، نارسایی‌ها، توطئه‌ها و اختلافات را هریک در جای خود قرار بدهیم و ثمرات آن را ارزیابی کنیم. تاریخ به ما فرصت می‌دهد که ارزش‌های گذشته را باز هم ارزیابی کنیم».^۱

همانطور که بیان شد جستجو در گنجینه غنی تاریخ، امری ضروری و لازم است تا بتوان تحلیل مناسبی ارائه کرد.

علت تکرار بسیاری از خطاها و مشکلات، عدم شناخت و ارزیابی غلط و ناقص گذشته است. در صورت اهتمام و احترام به مسائل و گزاره‌های گذشته و خواندن و مطالعه دقیق آنها می‌توانیم از نتایج فاجعه بار در زمان حال و آینده جلوگیری کنیم.

۱. جلال‌الدین مدنی، تاریخ سیاسی معاصر ایران، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۸۷ ش، جلد: ۱، ص ۲۰.

درک مسائل

درک مسائل نیز از جمله فواید ذکر شده تاریخ از زبان مورخان است. نوذری در «فلسفه تاریخ-روش شناسی و تاریخنگاری» خود می‌گوید:

«مطالعه تاریخ می‌تواند به ما بگوید که مردم در دولت‌ها و جوامع دیگر چگونه می‌زیستند و لذا از طریق مقایسه‌ی این موارد به ما کمک می‌کند تا معضلات معاصر خود را درک کنیم».^۱

درک مسائل مرحله‌ای بالاتر از شناخت است. چه بسا افرادی از تاریخ و وقایع گذشته اطلاع دارند اما به درک آنها نائل نشده باشند. درک مسائل یعنی هم ذات‌پنداری با دیگران. اینکه ما بفهمیم مردمان گذشته به چه علت این کار را کردند و کار دیگر را نکردند. علم تاریخ در کشف این علل ما را کمک می‌کند و این مسئله از خواص ویژه تاریخ به حساب می‌آید.

شناخت خیر و شر

تاریخ پر است از حوادث تلخ و شیرین، خوب و بد و این یک واقعیت آشکار است؛ اما صرف دانستن این مسائل فایده‌ای ندارد. اگر از این خیرات الگو گرفتیم و ادامه دهنده آنها بودیم و از شر و مشکلات گذشتگان درس گرفتیم و دوری کردیم آن وقت است که این شناخت به‌عنوان یکی از کاربردی‌ترین فواید تاریخ به حساب می‌آید.

حال نوبت به کلام مورخان در این رابطه می‌رسد. رشیدالدین فضل‌الله در کتاب «جوامع التاریخ-تاریخ ایران و اسلام» می‌نویسد:

«فایده مطالعه تواریخ و قصص و حکایات و اخبار و آثار پادشاهان ماضی آن است که [تا] خیر و شر و نفع و ضرر گذشتگان معلوم شود و به سیرت نیکان اقتدا و اهتدا نمایند و از گفتار و کردار ایشان اعتبار و انزجار یابند...».^۱

۱. حسین نوذری، فلسفه تاریخ-روش شناسی و تاریخنگاری، نشر طرح نو، ۱۳۷۹ ش، ص ۷۹.

حافظ ابرو عین جمله رشید الدین را در کتاب جغرافیای تاریخ خود تکرار می‌کند: «(فایده علم تاریخ) آن است که خیر و شرّ و نفع و ضرر گذشتگان معلوم شود و به سیرت نیکان اقتدا و اهتدا نمایند و از گفتار و کردار ایشان اعتبار و انزجار یابند».^۱

تربیت، حلقه مفقوده این روزهای جامعه ماست. وجود برخی از بد اخلاقی‌ها، بد عهدی‌ها و خونریزی‌ها در حیثیت‌های مختلف، نشان از عدم تربیت مناسب جوامع بشری است. در زمینه تربیت، علوم بسیاری نقش مستقیم دارند اما تاریخ نیز به‌عنوان کمک کار در این حیطه می‌تواند نقش موثری ایفا کند. همان‌طور که مورخان به این مسئله اشاره کرده‌اند. بکری در کتاب خود می‌نویسد: «باشد که از مطالعه احوال تربیت یافتگان مهد امکان و گذشتگان بنی نوع، انسان به‌لوازم خیر و شر و مواد نفع و ضررّ وقوف و اطلاع حاصل نموده...».^۲

نگاه به گذشته عاملی تربیت‌کننده است. اگرچه صرف مطالعه تاریخ برای ساخت جامعه‌ای متخلق کافی نیست اما بررسی و مراجعه پی در پی به حوادث ما قبل، سبب می‌شود تا نکات ناب به دست و ذهن آدمی داده شود. «کیست آن کس که دارای اندک ادراک باشد و فواید تاریخ را نداند، تاریخ است که گذشته و حال و آینده را به هم آشنا می‌سازد. تاریخ است که خزانه خیر و شر این عالم شمرده می‌شود.»^۳ این جمله مختصر از دولت‌آبادی نیز به صورت عربی مقصود ما را بیان می‌کند. حال مخیریم که از این گنجینه با ارزش بهره‌ها ببریم یا آن را به محدودی فردی و خصوصی محصور کنیم.

۱. رشیدالدین فضل‌الله، جامع التواریخ (تاریخ ایران و اسلام)، مرکز پژوهشی میراث مکتوب، ۱۳۹۲ ش، جلد ۱، ص ۳۲.
۲. عبدالله بن لطف‌الله حافظ ابرو، زبدة التواریخ، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۸۰ ش، جلد: ۱، ص ۳۲.
۳. محمد معصوم بکری، تاریخ سند معروف به تاریخ معصومی، به انضمام مقدمه و حواشی و تعلیقات و فهراس، تهران، اساطیر، ۱۳۸۲ ش، ص ۳.
۴. یحیی دولت‌آبادی، حیات یحیی، تهران، عطار، ۱۳۷۱ ش، جلد: ۱، ص ۹.

آشنایی با فعالان و کنشگران

همان طور که معلوم است ماهیت تاریخ بررسی گذشته است. از جمله مسائلی که در تاریخ به بررسی آن پرداخته می‌شود، بزرگان و موثران هر دوره و زمان است. ابن خلدون می‌نویسد:

«(تاریخ) ما را به حال آفریدگان آشنا می‌کند که چگونه اوضاع و احوال آنها منقلب می‌گردد، دولت‌هایی می‌آیند و فرصت جهان‌گشایی می‌یابند و به آبادانی زمین می‌پردازند تا ندای کوچ کردن و سپری شدن آنان را در می‌دهند و هنگام زوال و انقراض ایشان فرا می‌رسد»^۱.

خوانش دقیق از وقایع مربوط به کنشگران و فعالان در تاریخ سبب قوت روح و حرکت مثبت درونی می‌شود؛ بنابراین از فواید مستقیم تاریخ به حساب می‌آید.

تشخیص تزویر و بهتان

از دیگر فواید شناختی و معرفتی در تاریخ، تشخیص تزویر و بهتان است. در تاریخ داستان‌ها و قصص فراوانی وجود دارد که خود سنگ محکی برای امور پیش روی آدمی است. از جمله مورخانی که به این مطلب اشاره کرده است، نویسنده تاریخ بیهق است. وی می‌نویسد:

«فواید دیگر تاریخ: انسان بواسطه تاریخ در کوتاه‌ترین مدت از اخبار، حکایات گذشتگان، آبادانی جهان و ملل مختلف بهره می‌برد. راه درک این فواید به واسطه قوه بینایی میسر نخواهد شد مگر برای انسان‌هایی که عمر طولانی دارند. مطالعه تاریخ انسان را به جایی می‌رساند که حوادث و وقایع را عیناً می‌بیند و مشام او عطر و بوی

۱. عبد الرحمن ابن خلدون، مقدمه ابن خلدون، ترجمه محمد پروین گنابادی، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی (وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی)، ۱۳۶۲ ش، جلد اول، ص ۲-۳.

حوادث و وقایع را استشمام می‌کند و در نهایت می‌تواند بین جعل و باطل، تقلب و افسانه را فرق بگذارد.^۱

سخاوی در کتاب خود کمی متفاوت تر به این مقوله می‌پردازد. او معتقد است بخش زیادی از مکاتب گوناگون حوادث خود را آغشته به تزویر بیان کرده اند. برخی از این مکاتب به بزرگان خود مطالبی را نسبت داده‌اند که با بررسی تاریخ در می‌یابیم که بین نسبت و منتسب الیه رابطه زمانی برقرار نیست؛ بنابراین اگر قرار باشد به حقیقت دست پیدا کنیم و صواب را از ناصواب تفکیک کنیم باید به سراغ علمی نظیر تاریخ برویم.^۲

سیوطی می‌نویسد: «به واسطه تاریخ می‌توان دروغ دروغگویان و راستی راستگویان را تشخیص داد»^۳ وی نیز معتقد است تشخیص دروغ و راست به واسطه تاریخ امکان پذیر است و باید از این فایده کاربردی بهره برد.

شناخت و فیات

یکی از معارف مهم در رابطه با شخصیت‌ها، زمان تولد و رحلت آنهاست. عمده علمی که به این مسئله می‌پردازد، علم رجال است؛ اما اگر کمی زاویه نگاهمان به این

۱. علی بن زید بیهقی، تاریخ بیهقی و ذکر العلماء و الأئمة و الأفاضل الذين نبغوا فيها أو إنتقلوا إليها، تعریب، دمشق - سوریه، دار إقرأ، ۱۴۲۵ ق، ص ۱۰۰. (فائدة أخرى: إن الإنسان يستفيد في مدة قصيرة من أخبار و حکایات الماضین و أحوال و عمران العالم و الملوك و الممالك، استفادة لا تیسر له عن طریق المشاهدة إلا بالأعمار الطويلة، حتی لیکاد - و هو يتأمل التوارخ و القصص - أن یری عیانا تلك الوقائع و الحوادث و تستنشق روحه عبیر ریاحین تلك القصص و الأخبار، فیفرق بین التزویر و البهتان و الغش و الأسطورة، فتدفع عنه كدورة الوحشة من منابع الوحدة و تزیل ظلمة انقسام الخاطر عن ساحات الراحة).

۲. محمد بن عبدالرحمن السخاوی شمس الدین، الاعلان بالتواریخ لمن ذم اهل التاریخ، الطبعة الأولى، بیروت، مؤسسه الرسالة، ۱۴۰۷ ق، ص ۲۷ (و اما فائده فمعرفة الامور علی وجهها... و طالما كان طریقاً للاطلاع علی التزویر فی المكاتب و نحوها بان یعلم ان الحاکم الذی نسب الیه الثبوت او الشاهد او غیرهما من اسبابه او نحو ذلك مات قبل تاریخ المکتوب... قد یكون طریقاً للتوصل به لما المتاهل یستحقه).

۳. الجلال الدین السیوطی، الشماریخ فی علم التاریخ، کتابخانه دیجیتال دفتر تبلیغات اسلامی، قابل دسترسی در:

<http://dl.islamicdoc.com/site/catalogue/fulltext/454215/12428570>

(فتعرف بذلك (التاریخ) كذب الكاذبین و صدق الصادقین).

مسئله را تغییر دهیم، در می‌یابیم که شروع و پایان عمر افراد شاخص در برخی از بزنگاه‌های تاریخی از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. اگرچه در این رابطه، گزاره‌های اشتباهی نیز در تاریخ وجود دارد اما با کنار هم قرار دادن قرائن و شواهد مختلف می‌توان این مسئله را حل و فصل کرد. سیوطی نیز این مساله را مطرح کرده و معتقد است شناخت و علم به زمان درگذشت و تولد مشایخ از فواید تاریخ به حساب می‌آید.^۱

شناخت اخبار منسوخ

سخاوی در این باره می‌گوید: «آشنایی به امور مختلف از فواید علم تاریخ است و از همین رو یکی از این فواید را تشخیص خبر منسوخ از بین دو خبر متعارض برشمرده اند...»^۲. این هنر منحصر به تاریخ نیست و علوم دیگری نیز در این مسیر تدوین شده است.

تفاوت تاریخ و سایر علوم در این زمینه نحوه ورود آنهاست. به این معنا که تاریخ به صورت غیر مستقیم به این موضوع ورود می‌کند اما علوم نظیر اصول که مبحثی مجزا بنام تعادل و تراجیح در این رابطه دارند به صورت مستقیم و تخصصی به این مباحث ورود می‌کنند.

منظور از ورود غیر مستقیم آن است که گزاره‌های تاریخی ذاتا در صدد نفی و اثبات یکدیگر نیستند بلکه به صورت طبیعی از زبان و قلم مورخ صادر و به گوش و چشم مخاطب می‌رسد. حال این مخاطب و پژوهشگر تاریخ است که به تعارضات در گزاره‌ها توجه دارد و به واسطه ابزارهایی آنها را تعدیل و رتبه بندی می‌کند.

۱. الجلال الدین السیوطی، الشماریخ فی علم التاریخ، کتابخانه دیجیتال دفتر تبلیغات اسلامی، قابل دسترسی در:

<http://dl.islamicdoc.com/site/catalogue/fulltext/454215/12428570>

(معرفة الاجيال و حلولها و انقضاء العدد و اوقات التعالیق و وفیات الشیوخ و موالیدهم و الرواة عنهم).

۲. السخاوی شمس الدین، محمد بن عبدالرحمن، الاعلان بالتوبیخ لمن ذم اهل التاریخ، الطبعة الأولى، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۷ ق، صفحه ۲۷ (اما فاندته فمعرفة الامور علی وجهها و من أجل فوائده انه احد الطرق آلتی یعلم بها النسخ فی احد الخبرین المتعارضین المتعذر الجمع بینهما).

آشنایی با مصائب دنیوی

سختی و مشکلات در دنیا امری اجتناب‌ناپذیر است. اگر چه نحوه و میزان این مشکلات متفاوت است اما اطلاع و شناسایی هر یک از سختی‌ها به رفع و خلاصی زودتر از آن منجر خواهد شد. علم تاریخ در این زمینه کمک کار بسیار خوبی است. جامع‌التواریخ به این فواید تصریح دارد:

«فواید علم تاریخ نامحصور است، از تفکر در امور گذشتگان و اعتبار از احوال ایشان و تجارب در مهمات و مصالح ملک و آثار دولت هر طایفه‌ای و سبب نکبت هر قومی و تنبیه نفس بر مصائب دنیوی از قرون ماضیه و امم سالفه و غیر ذلک...»^۱

شاعر ایرانی - سعدی بزرگ - در سروده خود می‌گوید: «من آنچه شرط بلاغست با تو می‌گویم - تو خواه از سخنم پند گیر خواه ملال». ^۲ تاریخ هر آنچه که شرط بلاغست با خواننده خود می‌گوید، حال اوست که می‌تواند از این پندها درس گیرد و یا آنکه به دست فراموشی بسپارد.

حافظ ابرو در زبده‌التواریخ خود عبارتی نزدیک به رشیدالدین فضل‌الله دارد: «سبب نکبت هر قومی و تنبیه نفس بر مصائب دنیوی و از قرون ماضیه و امم سالفه و غیره ذلک مما لا یحصی». ^۳ بنابراین وجود مشکلات در امت‌های گذشته امری است قطعی و مرور این مصائب برای زمان حال آدمی بسیار موثر و مورد نیاز است.

آشنایی با زحمات و مشقت‌ها

هر چه زمان رو به جلو حرکت می‌کند وسایل آسایش و رفاه آدمی بیشتر می‌شود. عکس این مسئله نیز ثابت است، هر چه به زمان گذشته می‌رویم آسایش و رفاه

۱. رشیدالدین فضل‌الله، جامع‌التواریخ (تاریخ ایران و اسلام)، مرکز پژوهشی میراث مکتوب، ۱۳۹۲ ش، جلد ۱، صفحه: ۲۲

۲. ابو محمد مشرف‌الدین (ملخص به سعدی)، بوستان سعدی، مواعظ، قصاید، قصیده ۳۶.

۳. عبدالله بن لطف‌الله حافظ ابرو، زبده‌التواریخ، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی - سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۸۰ ش، جلد: ۱، ص ۳۶.

کمتری را مشاهده می‌کنیم. یکی از دلایل حرکت رو به جلو در انسان آشنایی با سختی‌ها و مشقت‌هایی است که در گذشته با آن دست و پنجه نرم کرده است؛ بنابراین پیشرفت روز افزون بشر مرهون دانش او از گذشته است. این دانش به صورت تخصصی از علم تاریخ بدست می‌آید.

«هرکس از ملوک و سلاطین که در اخبار ملوک و گذشتگان نیکو تأمل کند، بداند که بزرگان پیشین، تحمل چه مشقت‌ها کرده‌اند و چه رنج‌ها خورده تا کار جهان را به حسن تدبیر راست داشته؛ و چون احوال نکبت بزرگی بخوانند که خلل کار او از چه بوده یا سبب دولت پادشاهی معلوم گردد که زندگانی او به چه وجه بوده تا شایسته‌ی سلطنت شده و این مطالع از آن اجتناب واجب داند و بر این اقدام نماید، لا کلام فایده یابد»^۱.

شبانکاره‌ای حسن تدبیر جهان را نتیجه شناخت مشقت‌های پیشین عنوان می‌کند و همچنین مسیر تعالی، کمال و دوری از نکبت و گمراهی را از مطالعه احوال گذشتگان و فهم مشقت‌های آنها می‌داند.

مطالعه اخبار انبیاء

کتاب‌های تاریخ عمومی بخش عمده‌ای از منابع اصلی تاریخ انبیاء به حساب می‌آیند. در این منابع به بخش‌های مختلفی از زندگی و سیره انبیاء الهی اشاره شده است. بررسی و واکاوی اخبار پیامبران و برگزیدگان الهی تأثیر شگرف در زندگی مادی و معنوی بشر دارد و این غرضی است که علم تاریخ آن را تسهیل می‌کند. حال اشاره به این فایده را که توسط برخی از مورخان مطرح شده است از دیده می‌گذرانیم. در تاریخ گیلان و دیلمستان آمده است:

۱. محمد بن علی شبانکاره‌ای، مجمع الأنساب، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۱ ش، جلد: ۱، ص ۱۵.

«وقوف بر احوال انبیاء و اولیاء علیهم‌السلام و دانستن تواریخ ایشان، موجب ازدیاد علوم ابدان و ادیان است و همچنین وقوف بر افعال [و] اطوار کافه‌ی انام موجب ازدیاد فطانت و فراست و ذهن و ذکای ارباب عقول می‌گردد».^۱

از آنجا که انبیا از بهترین افراد بشریت محسوب می‌شوند، غور کردن و مطالعه سیره عملی و علمی آنها مسیر کمال را هموارتر می‌کند. خواندن زندگانی افراد برگزیده برخی از حقایق این جهان را شفاف می‌کند و سبب زندگی توأم با آرامش در این دنیا و رستگاری در سرای آخرت می‌شود. «دانستن حال انبیا و حوادثی که بدیشان رسیده و تلقی کردن ایشان حوادث و وقایع را به رضا و صبر و نجات یافتن از بلاها...».^۲ همانطور که رشیدالدین فضل‌الله نیز تصریح می‌کند زندگی انبیا سراسر درس است. رضایت، صبوری و گریز از بلاها نتایج خوب و مفیدی است که خوانندگان سیره انبیا کسب می‌کنند.

شناخت فعالین عرصه نبرد و قلم

در طول تاریخ افراد و سیاستمداران زیادی زیسته‌اند. برخی شمشیر را معیار و مبنی قرار دادند و عده‌ای دیگر عقل و درایت را پیشه راه خود ساخته‌اند. بررسی تاریخ نشان دهنده این حقیقت انکارناپذیر است؛ اما از جمله کسانی که باید این حقیقت را مورد بررسی قرار دهند و بیش از همه آن را تجزیه و تحلیل کنند وزرا و زمامداران اند.

کافیجی که در «المختصر فی علم التاریخ» خود معتقد است فواید علم تاریخ قابل شمارش نیست، در بیان فواید این علم می‌نویسد:

۱. ظهیرالدین بن نصیرالدین مرعشی، تاریخ گیلان و دیلمستان، انتشارات اطلاعات، ۱۳۶۴ ش، ص ۴-۷.
۲. رشیدالدین فضل‌الله، جامع التواریخ (تاریخ ایران و اسلام)، تهران، مرکز پژوهشی میراث مکتوب، ۱۳۹۲ ش، جلد ۱، ص ۲۰.

«... وزیر از موثران و فعالان گذشته می آموزد، حال برخی از آنها از شمشیر بهره‌ها بردند و برخی دیگر از علم و قلم. فرماندهان جنگی به واسطه تاریخ از کیدهای نبرد گذشتگان و محل تلاقی آنها با یکدیگر مطلع می‌شوند»^۱.

بنابراین تاریخ دوروی سکه را برای وزیر و وکیل و امیر بیان می‌کند. آنها هستند که تصمیم می‌گیرند به چه صورت عمل کنند. رویکرد بزرگان یک امت و قوم در شعاع نفوذشان تاثیر بسزایی دارد. فرد حکیم به مردمانش حکمت می‌آموزد و امیر جنگجو مردمانش را سلحشور می‌کند. چه بسا وزیرانی که سرنوشت دولت و ملت خود را تغییر دادند. مثال روشن آن طایفه مغول است که خون را با خون می‌شستند اما پس از مدتی وجود وزیر و مشاور حکیم در کنار خون آشامان مغول، سبب شد تا مسیرشان کمی تغییر کند و از شدت خشم و ستم آنان کاسته شود. خواجه نظام الملک نمونه بسیار آشکاری است که برای سایر وزیران قابل تامل و تفکر است. وی بیش از بیست سال توانست سیاست‌های عمیق خود را در دولت سلجوقی اجرایی کند.

شناخت امراض گذشته و نحوه علاج

تاریخ اجتماعی مورد غفلت مورخین متقدم بوده است. آنها بیش از آنکه به زندگی عموم مردم توجه کنند، حماسه‌ها و جنگ‌ها را به تصویر کشیده‌اند. در لابه‌لای همین تاریخ‌های پر تنش و پر آشوب می‌توان گزاره‌هایی یافت که نشان دهنده نکات ظریفی است. بروز امراض مختلف و چگونگی علاج آنها مسئله‌ای بسیار مهم است.

بر این اساس یکی دیگر از فواید مطرح شده در حوزه معرفتی تاریخ، شناخت امراض و کیفیت علاج آن در گذشته است. از مصادیق مهم این امر خود درمانی‌هایی است که نسل به نسل و سینه به سینه به یکدیگر منتقل شده است. در این نوع درمان،

۱. محمد بن سلیمان کافیحی، المختصر فی علم التاریخ، چاپ اول، بیروت، عالم الکتب، ۱۴۱۰ ق، ص ۱۱۷-۱۱۸ (اما الوزیر، فیتعیر بفعال من تقدم ممن حاز فضلی السیف و القلم؛ و اما قائد الجیوش فیطلع منه علی مکائد الحرب و مواقف الطعن و الضرب).

افراد از تجربه گذشتگان خود بهره می‌جستند. چه بسا طبیبانی که با دریافت، جمع‌آوری و دسته‌بندی تجربه گذشته، حوائج خود و مردم را رتق و فتق می‌کردند.

رشیدالدین فضل‌الله می‌نویسد: «تداوی دفع امراض ملکی در معالجه دفع مرض‌هایی که پیشینیان کرده‌اند روشن می‌گردد».^۱

بیان انساب و کیفیت اجداد

معرفت پیدا کردن به اجداد و اقوام گذشته امری لذیذ و خوشایند است. علم انساب که با علم تاریخ قرابت دارد به این نیاز انسان پاسخ می‌دهد. مرعشی در کتاب «زبور آل داود» این مطلب را کامل تبیین می‌کند:

«لازم دانست که کیفیت انساب و مجملی از احوال اجداد و سواد وقفنامجات و نوشتجات املاک و مستغلات وقفی را تذکره نماید که هرگاه بعد از این احدی از اولاد مطلبی خواهند معلوم نمایند توانند و از کیفیت احوال اجداد خود استحضار یابند و نسبت با یکدیگر را دانند و هرگاه املاک و مستغلات مذکوره مداخلی داشته باشد و در تصرف موقوف علیهم باشد دانند که به چند نحو قسمت می‌شود».^۲

موقوفات که مرعشی به آنها اشاره می‌کند از جمله مهم‌ترین مسائلی است که باید در باره آن دقیق اطلاعات کسب شود. از آنجا که وقف شرایط و ضوابط خاص دارد همیشه مورد اهتمام ویژه بوده است. به اذعان کتاب «زبور آل داود» تاریخ به شفافیت در این موضوع کمک می‌کند.

۱. رشیدالدین فضل‌الله، جامع التواریخ (تاریخ ایران و اسلام)، تهران، مرکز پژوهشی میراث مکتوب، ۱۳۹۲ ش، جلد ۱، ص ۲۱.
۲. محمدهاشم بن محمد مرعشی، زبور آل داود (شرح ارتباط سادات مرعشی با سلاطین صفویه)، مرکز پژوهشی میراث مکتوب، ۱۳۷۹ ش، ص ۲۰.

بخش دوم: تشریح سیره گذشتگان

دومین قسم از فواید کلی معرفت افزایی تاریخ، تبیین سیره گذشتگان است. اگر چه این مورد نیز می‌توانست زیر مجموعه بخش «آگاهی و شناخت» قرار بگیرد اما به دلیل اهمیت و کاربرد زیاد از تحت عنوان «آگاهی و شناخت» خارج گردیده و به قسمتی مجزا تبدیل شد.

قبل از ورود به بحث، بیان مطلبی پیرامون سیره ضروری است. سیره در لغت و اصطلاح معنایی دارد. متأسفانه مورخین صدر اسلام نسبت به بیان سیره کم لطفی کرده‌اند؛ چرا که سیره با سیر فرق دارد و کتب تاریخی متقدم بیشتر به سیر تاریخی دوران مد نظرشان پرداخته‌اند نه سیره. مصداق واضح این مطلب در کتبی که به نام سیره تألیف شده، قابل مشاهده و بررسی است. سیره امری عمیق‌تر از سیر است. در سیره تعمد و تامل وجود دارد، بر خلاف سیر که گذر طبیعی از مسائل است.

حال با در نظر گرفتن نکته فوق به مصادیق مورد نظر می‌پردازیم.

سیره اجتماعی گذشتگان

همان‌طور که بیان شد این عنوان قرابت زیادی با «شناخت و آگاهی» دارد اما با این تفاوت که در این بخش به معنای سیره تکیه شده است. در واقع تاریخ علاوه بر شناخت عمومی از سیرها، تک‌گزاره‌ها و حوادث منحصر به فرد در جوامع گذشته، رفتارهای پر تکرار آنها را نیز در معرض نمایش و مطالعه عموم قرار می‌دهد. در ابتدا به سیره اجتماعی اشاره می‌کنیم.

عالم آرای امینی در رابطه با سیره اجتماعی می‌نویسد:

«فایده ثالثه: نسبت با اهل هر طبقه که ایشان را اسلاف و پیشوایان باشند که بر ایشان وقایع گذشته و اطوار داشته‌اند، مثل مفسران و قراء... [چه علم به وقایع آنها در سوابق دوران‌ها موجب آن می‌شود که به سیر و اخلاق ایشان] اقتدا نمایند و بدانند

[که اسلاف به چه امور اقتدا نموده‌اند] تا در مراتب شغل خود بر فزوده و از چه جهات احتراز واجب شمرده‌اند تا به حقیقت فن خود پی برده و در اطلاع بر سیر وقایع اسلاف، [و] طوایف اخلاف را فواید کلیه و منافع عظیمه حاصل می‌گردد و این فایده نسبت با انواع خاصه تواریخ است نه نسبت با مطلق علم تاریخ»^۱.

بیان آداب و رسوم در دولت‌های پیشین مربوط به سیره‌های اجتماعی-فرهنگی است که خوشبختانه مورخان و کتب تاریخ نسبت به بیان آنها چشم پوشی نکرده‌اند. در این زمینه تاریخ گیتی گشا می‌نویسد:

«بر ضمائر ارباب بصایر و خواطر مآثر مخفی و مستور نخواهد بود که در هر عصری از اعصار ضبط وقایع و تدوین احوالات بدایع روزگار و بیان رسوم دولت سلاطین کامکار و ایراد قواعد سلطنت خواقین نامدار و ثبت محاسن صفات آن فرقه والا مقدار و نشر مکارم ذات آن طبقه کامکار بر صفحات لیل و نهار واجب و در هر زمانی از زمن یکی از کاربندان عرایس سخن و نام‌آوران صاحب پیشه و فن و شیرازه‌بندان اوراق داستان‌های نو و کهن به‌امریکی از برگزیدگان واهب ذوالمنن به‌این امر خطیر پرداخته و بدایع وقایع آن عهد را مدون ساخته، نام نامی و القاب گرامی نام‌آوران را در ساحت روزگار بالسنه و افواه انداخته‌اند»^۲.

باید دانست که هرچه ملت و افراد بزرگ‌تر باشند شناخت سیره آنها ارزش بیشتری دارد. این بزرگی معانی مختلفی دارد، بزرگی ایمان و عقیده، بزرگی عقل و اراده و روح که مصداق تامل در انبیا و صالحین است. حال اگر به سیره انبیا و معصومین اطلاع پیدا شود و بتوان آنها را از لا به لای گزاره‌ها و اوراق کتب تاریخ استخراج کرد چه بسا فواید بی نظیری نصیب جامعه بشری شود؛ بنابراین هرچه سیره مربوط به انسان‌های بزرگ‌تری باشد، ارزشمندتر خواهد بود.

۱. فضل‌الله بن روزبهان، تاریخ عالم‌آرای امینی، تهران، مرکز پژوهشی میراث مکتوب، ۱۳۸۲ ش، ص ۸۰.

۲. محمد صادق نامی‌اصفهانی، تاریخ گیتی گشا، انتشارات اقبال، ۱۳۶۳ ش، ص ۲.

سیره سیاسی حاکمان

پر رنگ تر از سیره اجتماعی گذشتگان، سیره سیاسی حاکمان می‌باشد که تاریخ به آن پرداخته است. با مراجعه به منابع تاریخی این مدعا روشن تر می‌شود. با بررسی دقیق در برخی منابع که حتی نام سیره بر عنوان اصلی آنها نقش بسته است، معلوم می‌شود این دست منابع فقط به سیره سیاسی حاکمان پرداخته‌اند؛ بنابراین سیره سیاسی و اطلاع از آن بخش مهمی از خدمت تاریخ به نسل آینده خود است. به عنوان نمونه می‌توان کتاب سیره ابن هشام از قدما و کتاب سیره شیخ جعفر مرتضی‌عاملی از متاخرین را مثال زد.

در تبیین سیره حاکمان و طریقه کشور داری تاریخ عالم آرای امینی می‌نویسد:

«فایده رابعه: نسبت با سلاطین و حکام، آنکه پادشاه کامکار که در روزگار دست اقتدار او قوی و مطلق است، چون بر احوال سابقان سلاطین مطلع گردد و به نظر مطالعه، وقایع و امور ایشان را ملاحظه نماید و بداند که هیچ آفریده همگن مالک ملک عالم نیست و ملک بقا هیچ کس را مسلّم نه. روزگار اقتدار را غنیمت باید شمرد و گوی دولت از میدان عمر باید برد؛ و نیز مشاهده نماید که ملوک ما تقدّم مثل اکاسره و قیاصره و تباعه و خواقین و خلفا و سلاطین، از آنها هر که سیرت محموده داشت بر برخورداری از مزرع عالم برداشته و نام نیکو یادگار گذاشته و هر که خصال مذمومه پیشه ساخته، نقد دولت در باخته و نام بد خود در افواه عالم انداخته [است]»^۱.

همان طور که ملاحظه شد، سیره سیاسی عمدتاً گره گشای سلاطین و پادشاهان است. آنان که قدرت دارند و مسیر زندگی هزاران انسان به تصمیمات آنها بستگی دارد. خطای آنها خطای فردی نیست که جبران‌ش به سادگی باشد. تصمیماتشان با

۱. فضل‌الله بن روزبهان، تاریخ عالم آرای امینی، تهران، مرکز پژوهشی میراث مکتوب، ۱۳۸۲ ش، ص ۸۰-۸۱.

زندگی مردم مرتبط است و بنابراین باید تمامی جوانب در نظر گرفته شود. این جامعیت را تاریخ می‌دهد.

بخش سوم: روشنگری

اگر تاریخ نباشد گذشته همانند بیابانی تاریک و پر از ظلمات است. برای روشن کردن این بیابان طویل و عریض نیاز به روشنایی داریم. گزاره‌های موجود و منقول در کتب تاریخ همانند فانوس‌هایی در دل این ظلمات هستند. مورخ همانند یک کارآگاه باید سر نخ‌ها را جمع کند و آنها را کنار یکدیگر بگذارد و در نهایت از آنها نتیجه‌گیری کند؛ بنابراین علم تاریخ زحمت زیادی در این روشنایی برای نسل آینده دارد.

بصیرت

از دیگر کدهایی که پیرامون فواید تاریخ به زبان و قلم مورخین مسلمان آمده است، بصیرت‌افزایی تاریخ است. ابن عرب شاه در کتاب «عجائب المقدور فی نوائب تیمور» می‌نویسد:

«در تاریخ‌ها عبرت‌هایی است برای کسانی که عبرت بگیرند، تنبه و آگاهی است برای کسانی که تفکر کنند... پس تاریخ عبرت و آگاهی است برای اندیشه‌ورزان، بینشی است برای بینایان».^۱

بصیرت و بینش در کلام ابن عرب شاه تصریح شده است. از جمله می‌توان به این مورد نیز اشاره کرد «چون اثبات حوادث روزگار در دفاتر اخبار و آثار امریست مرغوب برای آن‌که عبرتی از گذشته در آینده حاصل آید و بصیرتی برای مطالعه‌نمایندگان فزایند».^۲

۱. احمد بن محمد بن عرب شاه، عجائب المقدور فی نوائب تیمور، دمشق-سوریه، ناشر التکوین، ۲۰۰۸ م، ص ۸ (فلما كان فی التواریخ عبرة لمن اعتبر و تنبیه لمن افترک و ... ان فی ذلک لعبرة لمن اعتبر و تذکره لمن ادکر و تبصرة لمن استبصر).
۲. جهانگیر میرزا، تاریخ نو (شامل حوادث دوره قاجاریه) از سال ۱۲۴۰ تا ۱۲۶۷ قمری، نشر علم، ۱۳۸۴ ش، ص ۱۷.

بیش از همه کلام نویسنده «فهرس التواریخ» در این رابطه صراحت دارد:

«بر ارباب سیر و اصحاب خبر پیدا است که علم تاریخ علمی است کثیر الفواید و در آن حکمت‌هاست که بر بصیرت و رأی و تدبیر برنا و پیر به نظر آید و هر آدمی - خاصه سلاطین و امراء و وزراء - را به کار آید».^۱

از نکات قابل توجه به کارگیری بصیرت و عبرت در کنار یکدیگر است. شاید وجه آن این باشد که برای درک کردن پر تکرار ترین و معروف ترین فایده تاریخ که همان عبرت‌گیری است باید به واسطه تاریخ چشمانمان را باز کنیم. تا وقایع و حوادث تلخ و شیرین را با چشم دل نبینیم، نمی‌توانیم عبرت بگیریم.

شفافیت

شفافیت دیگر گزاره‌ای است که تحت عنوان «روشنگری» جای می‌گیرد. نقل قول‌ها از گذشته در برخی از اتفاقات متفاوت است. هر گروه و طیفی سعی می‌کند مسائل را از منظر خود مطرح کند؛ بنابراین وجود تناقضات در تاریخ غیر قابل انکار است اما برای رسیدن به شفافیت و حقیقت راهی جز بررسی و تطبیق مسائل گوناگون تاریخی و سنجش آنها با قرائن بیرونی و درونی نداریم. شفافیت در تاریخ به دست خود تاریخ رخ می‌دهد. «تاریخ مانند صفحه عکس در برابر کردار نیک و بد هرکس، صورت حقیقی آن را برمی‌دارد و با کسی خصوصیت و یا خصومت ندارد».^۲ با توجه به توصیف دولت‌آبادی از شفافیت در تاریخ می‌توان مدعی شد که مسائل بنیادی و کلان از نگاه تاریخ پنهان نمی‌ماند. اگر چه برخی سعی در ویرایش و حذف و اضافه در این علم داشته و دارند اما تا ابد این راهکار جواب نخواهد داد و روزی حقایق بر ملا می‌شود و تاریخنگاران شفافیت را برای خوانندگان خود به ارمغان می‌آورند.

۱. رضا قلی بن محمد هادی هدایت، فهرس التواریخ، انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۳ ش، ص ۱۷.

ص ۱۷.

۲. یحیی دولت‌آبادی، حیات یحیی، تهران، عطار، ۱۳۷۱ ش، جلد ۱، ص ۹.

برطرف شدن شبهات

در کتاب «تاریخ جهانگشای» آمده است: «(اگر) درین مقالات تفکری کند و درین مقامات که به واسطه اقلام اعلام می‌رود، تدبّری نماید غطاء شک و ریبت و غشاء ظنّ و شبهت از بصیرت او مرتفع شود و بر خاطر و ضمیر او مخفی و مستور نماند.»^۱ همان طور که در کلام عطا ملک جوینی مشاهده شد، برطرف شدن شبهه و شک از دیگر موارد و مصادیق تنویر بخشیدن تاریخ است.

ظن و گمان ابزار کار مورخ است. همان طور که در گذشته مطرح کردیم، مورخان همانند کارآگاهان باید در لابه‌لای گزاره‌ها و قرائن به جا مانده از گذشته، تجسس کنند و شبهات و ابهامات موجود را تا حد ممکن برطرف کنند.

برخی اوقات شبهه مرتبط با خود گزاره‌هاست که به نحو ترجیح و تعدیل حل و فصل می‌شود و گاهی شبهه تاریخ است که به کمک تاریخ حل می‌شود. در پاورقی مثالی علمی و دقیقی را مطرح می‌کنیم.^۲

بخش چهارم: فهم منابع و علوم دینی

غالباً علوم برای فهم و درک بهتر، نیازمند یکدیگرند. البته این وابستگی و ترتّب خللی در استقلال علوم به وجود نمی‌آورد بلکه در راستای تکمیل و تکامل آنهاست. وجه همکاری علم تاریخ با دیگر علوم آن است که همه علوم برای خود تاریخچه‌ای دارند نظیر تاریخ ادبیات، تاریخ فلسفه، تاریخ کلام و ... بنابراین تاریخ با دانش‌های

۱. عطا ملک بن محمد جوینی، تاریخ جهانگشای، انتشارات دنیای کتاب، ۱۳۸۵ ش، جلد ۱، ص ۷.

۲. مثال بخش دوم: مادیون اشکالاتی را در رابطه با نحوه به وجود آمدن اشیاء مطرح می‌کنند. این شبهه هیچ ارتباطی با تاریخ ندارد اما تاریخ می‌تواند این شبهه را حل و فصل کند. با بررسی حوادث بعد از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دختر ایشان - فاطمه زهرا علیها السلام - خطبه‌ای را می‌خوانند که در آن خطبه شبهه مادیون را جواب می‌دهند. این افراد معتقدند جهان یا باید «من شی» باشد یا «من لا شی». اگر «من شی» باشد پس چیزی از قبل بوده و اگر «من لا شی» باشد که امکان ندارد؛ چرا که از عدم چیز محقق نمی‌شود. ارتفاع نقیضین هم که محال است پس باید بگوییم چیز وجود داشته که خداوند توانسته از آن جهان را خلق کند. حضرت در لا به لای خطبه خود این شبهه را پاسخ می‌گویند و آن این که خداوند جهان هستی را از «لا من شی» خلق کرد. فهم این مطلب مجال مفصلی می‌خواهد اما غرض آنکه شبهات را می‌توان با مرور گذشته و تاریخ پاسخ داد.

زیادی تعامل و مشارکت دارد. از جمله مهم ترین و اساسی ترین علوم و دانش ها، علوم انسانی و دینی است. فقه، کلام، تفسیر، فلسفه و اخلاق همگی با تاریخ معاضدت و مشارکت دارند. قرآن و حدیث در رأس منبع دینی، از تاریخ مستغنی نیستند و برای بالا بردن تفاهم خود با مخاطبانشان از تاریخ بهره مند می شوند.

سرچشمه علوم

تمامی علوم نقطه آغاز دارند. علمی که تاریخچه سایر علوم را بررسی می کند و آن را خالصانه به جامعه علمی تقدیم می کند، تاریخ است. از این روی تاریخ در تمامی علوم نقش حیاتی دارد. مسعودی در کتاب ارزشمند خود اهمیت این مسئله را این گونه تبیین می کند: «اگر اندیشمندان اندیشه های خود را متوجه روزگار (تاریخ) نکنند هر آینه اول و آخر علم ضایع و باطل خواهد شد؛ چرا که تمامی علوم از تاریخ استخراج می شوند».^۱

مسعودی تاریخ را سرچشمه و ریشه تمامی علوم می داند. بی توجهی به آن را مساوی با تضييع علم و دانش می داند. پس بنابراین جایگاه تاریخ در نگاه وی ارزش بسیار بالایی دارد.

فهم حقیقت/واقعیت

علم مساوی است با معرفت و معرفت یعنی اطلاع، آگاهی و بینش. چه بسا اطلاعات و آگاهی هایی که با حقیقت فاصله دارند اما کم نیستند معالِمی که چشم آدمی را بر حقائق و واقعیات باز می کند. تاریخ در زمره علوم می تواند کشف واقع کند. «(تاریخ) علمی است در باره کیفیات وقایع و موجبات و علل حقیقی

۱. ابوالحسن علی بن الحسین بن علی المسعودی، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق اسعد داغر، چاپ دوم، قم، هجرت، ۱۴۰۹ ق، جلد ۲، ص ۴۰. (و لولا تقييد العلماء خواطرهم علی الدهر لبطل أول العلم وضاع آخره، إذ كان كل علم من الأخبار يستخرج).

آنها و به همین سبب تاریخ از حکمت سرچشمه می‌گیرد و سزااست که از دانش‌های آن شمرده شود.^۱ این تعبیر و تمثیل ابن خلدون موید خوبی برای گفتار اخیر است.

فضل‌الله بن روزبهان به نحوی دیگر این خصیصه تاریخ را تبیین می‌کند. وی می‌نگارد:

«مخفی نماند که بعض آیات که مشتمل است بر قصص یا اشارت است به قصه‌ای که در اصل کتاب مذکور نیست و تحقیق آن حواله به علم تاریخ است، فهم حقیقت معنی آن آیت به دانستن علم تاریخ موقوف خواهد بود. پس در فهم بعض آیات قرآن، علم تاریخ و قصص محتاج الیه باشد».^۲

با توجه به گفتار این مورخ، علم تاریخ آنقدر مستعد و تواناست که حتی فهم حقیقت برخی از مطالب قرآنی بر ذمه و عهده او گذاشته شده است. حال می‌توان به سودمندی تاریخ اذعان کرد و این علم را در جمع علوم نافع به حساب آورد.

فهم علم دین و قرآن

همان‌طور که ذکر شد قرآن به عنوان اصلی‌ترین رکن از ارکان دین است. فهم دین متوقف بر فهم قرآن است. به همین منظر علوم متنوعی برای تعمق در قرآن به وجود آمده است. علمی نظیر بیان، بدیع، تفسیر، لغت و... از جمله این موارد هستند. تاریخ نیز سهم در فهم قرآن دارد. این مهم در لابه‌لای آیات کریمه به چشم می‌خورد. خداوند در برخی آیات برای تبیین بهتر مساله پیامبر خود یا عموم مردم را به مرور گذشته و تاریخ ارجاع می‌دهد.

۱. عبد الرحمن ابن خلدون، مقدمه ابن خلدون، ترجمه محمد پروین گنابادی، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی (وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی)، ۱۳۶۲ ش، جلد اول، ص ۲-۳.

۲. فضل‌الله بن روزبهان، تاریخ عالم آرای امینی، تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب، ۱۳۸۲ ش، ص ۷۸.

ناگفته پیداست که قصدمان از بیان این مطلب ترجیح تاریخ بر کتاب قطعی الصدور و السند یعنی قرآن نیست بلکه غرض نشان دادن معین و مساعد بودن این علم برای فهم بهتر و بیشتر است. به این معنا که نبود تاریخ و سایر علوم معین قرآن، هیچ خللی در تبیین مسائل آن به وجود نمی آورد اما استفاده از این ابزار برای درک بهتر و تنقیح هر چه بیشتر مطالب موثر است.

حال به چند مطلب از زبان مورخان در این رابطه می پردازیم. شبانکاره‌ای در این رابطه می گوید:

«یکی آنکه علم دین و تفسیر کلام مجید از آن (تاریخ) دانسته می شود، زیرا که آفریدگار تبارک و تعالی سایر احوالی [را] که در جهان حادث شده، در محکم تنزیل به سیدانیا و سرور اصفیا محمد مصطفی - علیه الصلوة و السلام - فرو فرستاده».^۱

فقه در مرتبه‌ای پایین تر از قرآن اما ماهیت دینی دارد. فقه در صدد بیان احکام و وظایف شرعی آدمی است. با این نگاه اگر فقه را مصداقی برای علم دین بدانیم تاریخ برای فهم آن نیز ناصر و کمک دهنده است. چنانکه مسعودی می گوید: «همه حکمت‌ها از تاریخ استنباط می شود و فقه از او تاثیر می پذیرد».^۲

یاوری محدث

یکی از متداول ترین راه‌های رسیدن به منابع مکتوب متقدم مراجعه به کتب اهل حدیث می باشد. حال آنکه اهالی حدیث هم از تاریخ بی نیاز نیستند. ثمره تاریخ و گزارش‌های آن در علم حدیث نیز جریان دارد. در کلام برخی از مورخین به همکاری این دو علم اشاراتی شده است. کافجی می گوید: «هو (التاریخ) خزینه اخبار الناس

۱. محمد بن علی شبانکاره‌ای، مجمع الأنساب، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۱ ش، جلد ۱، ص ۱۵.

۲. ابوالحسن علی بن الحسین بن علی المسعودی، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق اسعد داغر، چاپ دوم، قم، هجرت، ۱۴۰۹ ق، جلد ۲، ص ۴۰. (کل حکمة منها (التاریخ) تستنبط و الفقه منها (التاریخ) يستتار).

و الرجال... و عون المحدث و ذخر الاریب». ^۱ یعنی تاریخ گنجینه اخبار عموم مردم و بزرگان گذشته است... و تاریخ یاور محدث و زینت بخش خردمند است.

خدمتگذاری دین

اگر بخواهیم برای علوم معین در فهم دین اصطلاحی را قرار بدهیم بهترین تعبیر خدمتگذار است. تاریخ به معنای واقعی کلمه خدمتگذار است. عبدالحسین زرین کوب در کتاب «تاریخ در ترازو» از این تعبیر استفاده می‌کند «در واقع تاریخ نزد زاهدان و واعظان خدمتگذار دین بود و فائده عبرت‌انگیزی آن هم عاید حیات دینی می‌شد». ^۲ بنابراین تاریخ نه صرفاً در حیطة عرف بلکه حوزه وسیع‌تری را خدمت‌رسانی می‌کند. چه بسا که نتیجه خدمت به دین همان خدمت به عرف تلقی شود؛ بنابراین خدمت به دین غیر از خدمت به خلق نیست و این دو مقوله جدای از یکدیگر نیستند. در تعابیر گوناگون و مختلف دینی می‌بینیم که خدمت به خلق و مردم نوعی عبادت است و از طرف دیگر عبادت و عبودیت نقطه محوری در دین و شرع است. پس خدمات و فواید تاریخ عموماً مورد تأیید و امضاء شرع است.

بخش پنجم: کشف قوانین حاکم

از دیگر فواید معرفت‌افزا در علم تاریخ یافتن قوانین حاکم است. قوانینی که در دوره‌ها و زمان‌های مختلف به انحاء و اشکال مختلفی تکرار می‌شود. اگرچه این قوانین صورت و ظاهری متفاوت دارند اما ماهیت و جوهره آنها یکی است. در این قسمت سوالاتی نه چندان تازه وجود دارد از جمله آنکه تاریخ تکرار می‌شود یا نه؟ و از این دست سوالات که قصد پرداختن مستقیم به آن را نداریم.

۱. محمد بن سلیمان کافجی، المختصر فی علم التاریخ، چاپ اول، بیروت، عالم‌الکتب، ۱۴۱۰ ق، ص ۱۱۷-۱۱۸.

۲. عبدالحسین زرین کوب، تاریخ در ترازو، چاپ دوم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۲ ش، ص ۱۱.

انتزاع قوانین ثابت

همه ناظران و عالمان معتقدند که جهان دارای نظم است. از لوازم نظم، وجود قانون است. نمی‌توان نظمی را متصور شد که قانونمند نباشد؛ به عبارت دیگر بی‌قانونی نتیجه‌ای جز بی‌نظمی نخواهد داشت و چون قائل به نظم خلقت و روزگار هستیم، پذیرفتن قوانین ثابت امری اجتناب‌ناپذیر است. این مطلب دور از نگاه مورخان نبوده است. ظهیرالدین مرعشی وجود این قوانین ثابت را تایید می‌کند. وی در کتاب «تاریخ طبرستان و رویان و مازندران مرعشی» می‌نویسد:

«بدان که علم تاریخ علمی است مشتمل بر شناختن حالات گذشتگان این جهان که چون اهل بصیرت به نظر اعتبار بر مصداق «فاعتبروا یا اولی الابصار» نگاه کنند به دلایل عقلی... بدانند که احوال مردم حال را مآل کار بر همان منوال خواهد بود».^۱

پس از قرن ۱۸ میلادی که فلسفه تاریخ شکل گرفت، بحث انتزاع قوانین ثابت مطرح بوده است و حول آن نظراتی وجود دارد. به دلیل محدودیت‌هایی که در نوشته پیش رو داریم، پرداختن مفصل و بیان نظرات مختلف امکان‌پذیر نیست. در این رابطه صرفاً به بیان یک نظر اکتفا می‌کنیم. محمد توسلی معتقد است که «(با کمک تاریخ و فلسفه تاریخ باید) نه تنها قوانین و اصولی کم و بیش ثابت و طبیعی از تاریخ استخراج کنیم، بلکه بتوانیم بر اساس این اصول روند تکامل آینده جامعه‌ها را نیز پیش بینی کنیم».^۲ وی علاوه بر وجود قوانین ثابت در نظام هستی معتقد است که می‌توان به واسطه این قوانین آینده را نیز پیش بینی کرد و ساخت. وی در ادامه اضافه می‌کند «این مسیر را می‌توان با علت‌یابی تاریخ، شناخت و از آن قوانین استخراج کرد».^۳

۱. میرسیدظهیر الدین مرعشی، تاریخ طبرستان و رویان و مازندران مرعشی، چاپ دوم، شرق، ۱۳۶۱ ش، ص ۱۰۱ مقدمه.
 ۲. محمد توسلی، فلسفه تاریخ از دیدگاه جامعه‌شناسی (سخنرانی در دانشکده فنی تهران) تکثیر دوم، تهران، انتشارات نور، ۱۳۵۹ ش.
 ۳. همان.

وجدان وحدت و استمرار

«در کتاب‌های تاریخ تجربه‌هایی وجود دارد که تکرارش متوقف نمی‌شود و انتظار وقوع موارد هم شکل و مشابه می‌رود».^۱ در این عبارت که از کتاب «تجارب الامم» ابوعلی مسکویه اخذ شده است، به خوبی می‌توان مسئله وحدت و استمرار در تاریخ را از نگاه این مورخ اثبات کرد. به زعم ابوعلی مسائل و امور دائماً در حال تکرارند و هیچ‌گاه این چرخه متوقف نمی‌شود. با فرض قبول این سخن می‌توان از این وحدت در مسائل قوانینی استخراج کرد که این امر مرهون و به برکت مطالعه و بررسی تاریخ بدست آمده است.

جناب زرین کوب هم موید این فایده تاریخ است. وی می‌نویسد: «مجردترین و خالصترین لذتی که از تاریخ حاصل می‌شود یک نوع تجربه عرفانی است؛ وجدان وحدت و استمرار».^۲ بعد از بیان اصل این مطلب بگونه‌ای شیوا و رسا به تشریح این مطلب می‌پردازد و این‌گونه می‌نگارد:

«تاریخ انسانیت شاید به حقیقت چیزی جز همین وحدت و استمرار نیست. در واقع تاریخ به ما می‌آموزد که زندگی ما به زندگی تمام افراد جامعه و قوم ما ارتباط دارد. زندگی جامعه و قوم ما نیز به زندگی جوامع و اقوام دیگر پیوسته است چنانکه زندگی تمام اقوام و جوامع انسانی با رشته‌ایی نامریی به همدیگر وابسته اند».^۳

۱. احمد بن محمد ابن مسکویه، تجارب الامم، بی‌نا، بی‌جا، بی‌تا، جلد ۱، ص ۴۸-۴۹. (کتاب التواریخ، وجدت فیها ما تستفاد منه تجربه لا تزال یتکرر مثلها و ینتظر حدوث شبهها و شکلها).

۲. عبدالحسین زرین کوب، تاریخ در ترازو، چاپ دوم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۲ ش، ص ۲۶.

۳. همان.

نتیجه گیری

آنچه از مقابل دیدگان مخاطبین محترم گذشت حاصل گردآوری نظرات و دیدگاه مورخان مسلمان درباره سودمندی‌های دانش تاریخ برای معرفت افزایی و دسته بندی و طبقه بندی آنها بود.

همان طور که در مقدمه یادآوری شد هدف و غایت این پژوهش ایجاد یک منظومه‌ای در رابطه با فواید تاریخ بود که این مهم با ابزار و روش گونه شناسی محقق گردید. اگرچه مجموعه‌هایی در این رابطه وجود داشت اما به منظومه‌ای متصل و زنجیروار تبدیل نگردیده بود. تلاش نگارنده بر آن بود که قدمی هرچند ناچیز در این مسیر برداشته شود. به نظر می‌رسد که بررسی انگاره‌های مورخان غیر مسلمان بویژه غربی و همچنین فیلسوفان غرب و شرق در این رابطه تلاشی مضاعف می‌طلبد.

آنچه به‌عنوان نتیجه قابل ارائه است، بر خلاف زعم و گمان برخی از محققین، تاریخ علمی سودمند و پرفایده است. تکرار این گزاره در مقدمه کتب مورخان بزرگ و شهیر نشان از اصالت بحث دارد؛ بنابراین همان گونه که در فرضیه مطرح گردید علاوه بر سودمند بودن علم تاریخ، قابلیت دسته بندی و گونه شناسی فواید این علم نیز وجود دارد. در پایان عاجزانه از علاقه مندان به موضوع «فلسفه تاریخ» دعوت به نگارش مقالات و پژوهش‌های بیشتر در این زمینه می‌شود.

فهرست منابع و مآخذ

۱. ابن خلدون، عبد الرحمن، مقدمه ابن خلدون - جلد اول، ترجمه محمد پروین گنابادی، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی (وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی)، ۱۳۶۲ ش.
۲. ابن عرب شاه، احمد بن محمد، عجائب المقدور فی نوائب تیمور، دمشق - سوریه، ناشر التکوین، ۲۰۰۸ م.
۳. ابن مسکویه، احمد بن محمد، تجارب الأمم، جلد ۱، بی نا، بی جا، بی تا.
۴. بکری، محمد معصوم، تاریخ سند معروف به تاریخ معصومی، به انضمام مقدمه و حواشی و تعلیقات و فهرس، انتشارات اساطیر، تهران - ایران، ۱۳۸۲ ش.
۵. بیهقی، علی بن زید، تاریخ بیهقی و ذکر العلماء و الأئمه و الأفاضل الذین نبغوا فیها أو إنتقلوا إلیها / تعریب، دمشق - سوریه، دار إقرأ، ۱۴۲۵ ق.
۶. توسلی، محمد، فلسفه تاریخ از دیدگاه جامعه‌شناسی (سخنرانی در دانشکده فنی تهران) تکثیر دوم، تهران، انتشارات نور، ۱۳۵۹ ش.
۷. جوینی، عطا ملک بن محمد، تاریخ جهانگشای، انتشارات دنیای کتاب، ۱۳۸۵ ش.
۸. جهانگیر میرزا، تاریخ نو (شامل حوادث دوره قاجاریه) از سال ۱۲۴۰ تا ۱۲۶۷ قمری، نشر علم، ۱۳۸۴ ش.
۹. حافظ ابرو، عبدالله بن لطف‌الله، زبدة التواریخ، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. سازمان چاپ و انتشارات، تهران، ۱۳۸۰ ش.
۱۰. خواندمیر، غیاث‌الدین بن همام‌الدین، تاریخ حبیب السیر فی اخبار افراد بشر، انتشارات خیام، ۱۳۸۰ ش
۱۱. دولت‌آبادی، یحیی، حیات یحیی، انتشارات عطار، تهران - ایران، ۱۳۷۱ ش.
۱۲. روزبهان، فضل‌الله بن روزبهان، تاریخ عالم‌آرای امینی - انتشارات مرکز پژوهش‌های مکتوب، تهران، ۱۳۸۲.
۱۳. زرین کوب، عبدالحسین، تاریخ در ترازو، انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم، ۱۳۶۲ ش.
۱۴. السخاوی، شمس‌الدین محمد بن عبدالرحمن، الاعلان بالتویخ لمن ذم اهل التاریخ، ناشر مؤسسه الرساله، بیروت، الطبعة الأولى، ۱۴۰۷ ق.
۱۵. شبانکاره‌ای، محمد بن علی، مجمع‌الأنساب، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۸۱ ش.
۱۶. العاملی، سیدجعفر مرتضی، الصحیح من سیره‌النبی الاعظم ﷺ، انتشارات دار السیره، بیروت، طبع چهارم.
۱۷. فضل‌الله، رشید‌الدین، جامع‌التواریخ (تاریخ ایران و اسلام)، نشر مرکز پژوهشی میراث مکتوب، ۱۳۹۲ ش.
۱۸. کافجی، محمد بن سلیمان، المختصر فی علم‌التاریخ، انتشارات عالم‌الکتاب، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۰ ق.
۱۹. کریمی، حسین، دست‌آویزهای سیاسی در مسائل اسلامی، چاپ اول، تهران، گروه فرهنگی جهاد دانشگاهی دانشگاه صنعتی شریف، ۱۳۶۱ ش.
۲۰. مدنی، جلال‌الدین، تاریخ سیاسی معاصر ایران، ناشر دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۸۷.
۲۱. مرعشی، ظهیرالدین بن نصیرالدین، تاریخ گیلان و دیلمستان، انتشارات اطلاعات، ۱۳۶۴ ش.
۲۲. مرعشی، محمدهاشم بن محمد، زبور آل داود (شرح ارتباط سادات مرعشی با سلاطین صفویه)، انتشارات مرکز پژوهشی میراث مکتوب، ۱۳۷۹ ش.

۲۳. مرعشی، میرسیدظهیرالدین، تاریخ طبرستان و رویان و مازندران مرعشی، نشر شرق، چاپ دوم، ۱۳۶۱ ش.
۲۴. المسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین بن علی، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق اسعد داغر، نشر هجرت، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۹ ق.
۲۵. مشرف الدین، ابومحمد (ملخص به سعدی)، بوستان سعدی.
۲۶. میرخواند، محمد بن خاوند شاه بن محمود، روضه الصفا فی سیره الانبیاء و الملوک و الخلفاء، نشر اساطیر، ۱۳۸۰ ش.
۲۷. نامی اصفهانی، محمدصادق، تاریخ گیتی گشا، انتشارات اقبال، ۱۳۶۳ ش.
۲۸. نوذری، حسین، فلسفه تاریخ- روش شناسی و تاریخنگاری، نشر طرح نو، ۱۳۷۹ ش.
۲۹. هدایت، رضا قلی بن محمدهادی، فهرس التواریخ، انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۳ ش.

سایت

۳۰. السیوطی، الجلال الدین، الشماریخ فی علم التاریخ، کتابخانه دیجیتال دفتر تبلیغات اسلامی، قابل دسترسی در:
<http://dl.islamicdoc.com/site/catalogue/fulltext/454215/12428570>